

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی

**تحلیل اثرات اخلاقی و اجتماعی سیاست های اقتصادی (با تاکید بر تاثیر نرخ تورم
بر میزان جرائمدر ایران طی سالهای ۱۳۹۰ - ۱۳۷۰)**

استاد راهنما:
دکتر رحیم دلالی اصفهانی

استادان مشاور:
دکتر محمد واعظ
دکتر علی ربانی

پژوهشگر:
ذبیح اله مکی پور

مهرماه ۱۳۹۱



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد گرایش نظری آقای ذبیح‌اله
مکی‌پور تحت عنوان

**تحلیل اثرات اخلاقی و اجتماعی سیاست های اقتصادی (با تاکید بر تاثیر نرخ تورم
بر میزان جرائم در ایران طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۷۰)**

در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر رحیم دلالی اصفهانی با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر محمد واعظ برزانی با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر نعمت الله اکبری با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر رحمان خوش اخلاق با مرتبه‌ی علمی استاد تمام امضا

امضای مدیر گروه:

پاسکزاری:

ای...!

تو ما را ضعیف خواندی!

از ضعیف چه آید جز خفا؟

و ما را جاہل خواندی!

از جاہل چه آید جز خفا؟

و تو خداوندی کریم و لطیف!

از کریم و لطیف چه سزود؟

جز از کرم و وفا و بخشیدن عطا...!

اکنون که به لطف پروردگار این مرحله از دوران تحصیل را پشت سر می گذارم بر خود واجب می بینم از تمامی دوستان و سرورانی که درس و ادب به من آموختند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم، کسانی که بی شک در خاطر ستیرو دل کوچک تر از آن جاودانه خواهند ماند، به همین جهت خالی از لطف نخواهد بود تا از استادان گرانید دوران تحصیل چه در منقطع کارشناسی و چه در ارشد نام ببرم، دکتر رحیم دلالی امینانی، دکتر رحمان خوش اخلاق، دکتر محمد واعظی، دکتر علی ربانی و دکتر محسن غلامی زمانی از دانشگاه امینان و استادان ارجمند دکتر حسن دکابای و دکتر حسین نازی از دانشگاه شهید بهشتی، که بی شک یکی، پیش از آموزش دوس اکادمیک، درس ادب و معرفت را تدریس کرده اند. هم چنین مراتب قدردانی و تشکر خود را بر دوستان عزیزم جناب آقایان مجید مویدی و قباد میرزاوندی نثار می کنم که دوستانه و مردانه بر من لطف داشتند، در پیلان از سرکار خانم رجایی و بهیان به پاس تسهیل امور آموزشی با کثاده رویی و راهمائی های ارزنده کمال تشکر و امتنان دارم.

و من الله التوفیق و علیہ التکلان.

تقدیم به:

اسوه مرویاتان، مادر عزیز تر از جانم.

منظر مرداکی و زندگی با عزت، پدر مهربانم.

و نادر سوزی و ایثار برادر و خواهرمان خداکرم

چکیده

به کارگیری سیاست های اقتصادی علاوه بر تاثیرات اقتصادی می تواند باعث بروز بسیاری از تاثیرات اخلاقی و اجتماعی در جامعه شود. از جمله اصلی ترین تاثیرات به کارگیری سیاست های اقتصادی در ایران تشدید تورم بوده است که این عامل توانسته با ایجاد نابرابری های درآمدی و شکاف اجتماعی، زمینه های بروز انواع جرایم و به خصوص جرایم اقتصادی را فراهم سازد.

در این پژوهش با به کارگیری داده های ۲۰ ساله سالنامه آماری ایران در خصوص جرایم سرقت و صدور چک بلامحل در قالب یک مدل اقتصاد سنجی و با استفاده از الگوی پویای خود توضیحی با وقفه های توزیعی موسوم (ARDL) به منظور تحلیل ضرایب بلند مدت بین متغیرهای توضیحی (نرخ های تورم و بیکاری) و وابسته (جرایم سرقت و صدور چک پرداخت نشدنی) و همچنین الگوی تصحیح خطا (ECM) برای تطبیق رفتار کوتاهمدت متغیر اقتصادی با رفتار بلند مدت آن استفاده شده است.

برآورد مدل های مورد اشاره حاکی از آن است که متغیر های اقتصادی معرفی شده در این رساله تحت عنوان نرخ بیکاری و نرخ تورم هر دو اثر معناداری بر ارتکاب جرایم مد نظر یعنی سرقت و صدور چک پرداخت نشدنی داشته است.

واژگان کلیدی: جرم ، سرمایه اجتماعی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- شرح و بیان مسأله پژوهشی	۲
۳-۱- اهداف پژوهش	۵
۴-۱- اهمیت و ارزش پژوهش	۵
۵-۱- کاربرد نتایج پژوهش	۹
۶-۱- فرضیه‌های پژوهش	۹
۷-۱- روش تحقیق	۹
۷-۲- تصریح مدل اقتصادسنجی	۱۲
۸-۱- جامعه آماری	۱۵
۹-۱- ابزار گردآوری داده‌ها	۱۵
۱۰-۱- ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها	۱۶
۱۱-۱- کلمات کلیدی	۱۶
۱۲-۱- خلاصه فصل	۱۷

فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۱-۲- مقدمه	۱۸
۲-۲- بخش اول، تحلیل مفهوم جرم	۱۹
۱-۲-۲- تعریف جرم از دیدگاه حقوقی	۱۹
۲-۲-۲- جرم از دیدگاه جامعه‌شناسی	۲۰
۳-۲-۲- جرم از دیدگاه جرم‌شناسی	۲۱
۳-۲- تحلیل اقتصادی جرم اقتصادی	۲۱
۱-۳-۲- تقاضای جرم	۲۲
۲-۳-۲- عرضه جرم	۲۲
۴-۲- هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی جرم	۲۴

۲۵.....	۵-۲- بخش دوم، تحلیل تورم به عنوان متغیر اثر گذار بر وقوع جرایم.....
۲۶.....	۲-۵-۱- تحلیل علل تورم.....
۲۶.....	۲-۵-۱-۱- تورم ناشی از فشار تقاضا.....
۲۷.....	۲-۵-۱-۲- تورم ساختاری.....
۲۸.....	۲-۵-۱-۳- تورم ناشی از فشار هزینه ها.....
۲۸.....	۲-۵-۱-۴- تورم وارداتی.....
۲۸.....	۲-۶- تحلیل پیامد های اخلاقی و اجتماعی تورم.....
۳۰.....	۲-۷- آثار توزیع درآمدی و نابرابری درآمدی تورم.....
۳۲.....	۲-۸- دلایل آثار نابرابر توزیع درآمدی تورم.....
۳۳.....	۲-۹- تحلیل رابطه نابرابری درآمدی و ارتکاب جرایم.....
۳۵.....	۲-۱۰- تورم و تخریب سرمایه اجتماعی.....
۳۷.....	۲-۱۱- تورم در دیدگاه های اخلاقی و اسلامی.....
۳۷.....	۲-۱۱-۱- تورم از دیدگاه اقتصاد اسلامی.....
۳۸.....	۲-۱۱-۲- تورم از دیدگاه اقتصاد اخلاقی.....
۳۹.....	۲-۱۲- بخش سوم ، تحلیل اثرات تورمی سیاست های اقتصادی در ایران.....
۴۳.....	۲-۱۲-۱- تحلیل اثرات تورمی و نابرابری توزیع درآمدی سیاست های پولی.....
۴۴.....	۲-۱۲-۲- تحلیل اثرات تورمی و نابرابری توزیع درآمدی سیاست های مالی.....
۴۶.....	۲-۱۳- بخش چهارم، سیر اندیشه های اقتصادی در زمینه جرم.....
۵۲.....	۲-۱۴-۱- بخش پنجم، بررسی مطالعات پیشین.....
۵۲.....	۲-۱۴-۱- مطالعات داخلی.....
۵۵.....	۲-۱۴-۲- مطالعات خارجی.....
۵۸.....	۲-۱۵- خلاصه فصل.....

فصل سوم: روش پژوهش

۵۹.....	۳-۱- مقدمه.....
۶۰.....	۳-۲- بخش اول، پایه های اقتصاد خردی مدل ارتکاب جرایم.....
۶۰.....	۳-۲-۱- مدل اول (جرایم مبتنی بر انگیزه).....

مدل دوم) توجیه ارتباط نابرابری درآمدی و جرم.....	۶۲
۳-۳-۱- سیاست پولی و جرم.....	۶۴
۳-۳-۲- سیاست مالی و جرم.....	۶۷
۳-۳-۳- سایر مالیات ها.....	۶۸
۳-۴- تصریح مدل اقتصاد سنجی.....	۶۹
۳-۵- روش تحقیق	۶۹
۳-۵-۱- الگوی ARDL.....	۷۲
۳-۵-۲- آزمون وجود ارتباط بلند مدت میان متغیرها.....	۷۷
۳-۵-۳- مکانیزم تصحیح خطا (ECM).....	۷۸
۳-۷- نوع داده ها آماری و بازه زمانی مورد استفاده.....	۸۲
۳-۸- بسته نرم افزاری مورد استفاده.....	۸۲
۳-۹- خلاصه فصل.....	۸۲

فصل چهارم: بررسی داده ها، تخمین و تحلیل نتایج

۴-۱- مقدمه.....	۸۴
۴-۲- معرفی داده های آماری و متغیرها.....	۸۴
۴-۲-۱- داده های بیکاری.....	۸۶
۴-۲-۲- داده های نرخ تورم.....	۸۷
۴-۲-۳- داده های جرایم.....	۸۸
۴-۲-۴- داده های سرقت.....	۹۰
۴-۲-۵- داده های صدور چک پرداخت نشدنی.....	۹۰
۴-۳- محاسبه مقادیر سرانه متغیرهای استفاده شده در پژوهش.....	۹۲
۴-۴- آزمون پایایی و تعیین مرتبه همجمعی داده ها.....	۹۳
۴-۵- برآورد الگوی پویای تعداد چک های بلامحل سرانه.....	۹۶
۴-۵-۱- برآورد الگوی پویای بلند مدت صدور چک بلامحل.....	۹۷
۴-۵-۲- برآورد الگوی پویای کوتاه مدت صدور چک بلامحل.....	۹۸

۶-۴- برآورد الگوی پویای تعداد سرقت سرانه.....	۹۸
۶-۴-۱- برآورد الگوی پویای کوتاه مدت.....	۹۸
۶-۴-۲- برآورد معادله مربوط به اثر نرخ تورم بر ارتکاب سرقت سرانه.....	۱۰۰
۶-۴-۳- برآورد معادله مربوط به اثر نرخ بیکاری بر ارتکاب سرقت سرانه.....	۱۰۲
۶-۴-۷- خلاصه فصل.....	۱۰۳

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۵- مقدمه.....	۱۰۵
۲-۵- نتیجه‌گیری و آزمون فرضیه‌ها.....	۱۰۶
۳-۵- محدودیت‌های پژوهش.....	۱۰۸
۴-۵- پیشنهادهای پژوهش.....	۱۱۰
۴-۵-۱- پیشنهادهای اجرایی.....	۱۱۱
۴-۵-۲- پیشنهادهای پژوهشی به محققین آینده.....	۱۱۳
پیوست (خروجی نرم افزار میکروفیت).....	۱۱۴
منابع و مأخذ.....	۱۲۲

فصل اول

کلیات

۱-۱: مقدمه

امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر علوم، همچنان فقر و نابرابری مستولی بر بسیاری از جوامع است. به گونه‌ای که با داشتن تولید بیش از پیش مواد غذایی، گرسنگی همچنان قربانی می‌گیرد و این لزوم بازبینی سیاست‌ها را در حوزه اقتصاد و علوم مربوطه بر ما روشن می‌سازد.

تاریخ اقتصادی به جای توجه خود به اقتصاد که به تحقیق در زمینه اصول مصرف بهینه منابع محدود می‌پردازد، دل‌مشغولی ثروت شناسی علم ثروت^۱ است. در واقع مورخان اقتصادی صرفاً توجه خود را بر رشد اقتصادی معطوف می‌کنند. متأسفانه آنچه امروز بخصوص در کشورهای در حال توسعه شاهد هستیم فریبی علم اقتصاد اثباتی به بهای کم رنگی اقتصاد هنجاری و فراموشی هنر علم اقتصاد^۲ است (کلاندر، دیوید، ۲۰۰۱)^۳. در واقع فراموش شدن موضوع اخلاق در اقتصاد، زمینه بروز بسیاری از سیاست‌های اقتصادی غیر اخلاقی را در جامعه فراهم کرده است. روش شناسی آنچه که اقتصاد اثبات‌گرایی نامیده می‌شود از تحلیل‌های هنجاری در اقتصاد دوری جسته و باعث نادیده انگاشته شدن بسیاری از مطالعات پیچیده اخلاقی شده است و بسیاری از

1 -science of Wealth

2-Art of Economics.

3 -Colander, David 2001

فروض که برای سادگی مد نظر بوده به صورت فرضی کاملاً غیر واقعی در اقتصاد جا خوش کرده‌اند (بلاگ، مارک، ۱۳۸۰؛ ۱۳۵).

نگاهی بر سیاست های اقتصادی دولت در ایران و نیز توجه به شرایط ویژه اقتصاد ایران از جمله نقش غالب دولت در اعمال این سیاست ها، تک محصولی بودن اقتصاد داخلی، کسری های مداوم بودجه دولت و امثالهم، همگی از عواملی است که توانسته به تورم زایی سیاست های اقتصادی منجر شود، از سویی این مساله می تواند از طریق نابرابری های درآمدی و شکاف های اجتماعی بر سطح زندگی افراد و در نهایت بر هنجارهای جامعه اثر گذار باشد.

در ارزیابی آثار اجتماعی اجرای سیاست های اقتصادی می توان تورم زا بودن سیاست های کلان اقتصادی را یکی از عوامل اساسی در رشد ناهنجاری های اجتماعی در کشور یاد کرد. این مسئله در این پژوهش به طور مشخص با ردگیری ناهنجاری هایی همچون صدور چک بلامحل و سرقت نشان داده خواهد شد.

۲-۱: شرح و بیان مساله پژوهشی

امروزه داشتن یک جامعه سالم و پویا و عاری از هرگونه انحرافات از جمله مهم ترین اهداف دولت ها قلمداد می شود. به همین لحاظ تلاش های بسیاری در جهت افزایش امنیت در ابعاد مختلف آن، (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ..) صورت گرفته یا در حال شکل گیری است.

خطر تقلید اقتصاد از علوم طبیعی^۱ سبب گردید که تنها متغیرهای قابل اندازه گیری را گزینش کنند و سایر متغیرها را نادیده در نظر بگیرند^۲، این امر موجب شد تا بسیاری از عوامل اجتماعی مانند آسیب های اجتماعی، سرمایه های انتزاعی، مباحث اخلاقی و ... نادیده در نظر گرفته شود (استریتن، ۲۰۰۰).^۳ این دیدگاه صرف مادی حتی در تحلیل های اجتماعی به حدی ریشه دوانیده است که حتی اعمال اجتماعی که از افراد سر می زند را در قالب منافع و هزینه های اقتصادی نگریسته می شود، به عنوان مثال بکر^۴ (۱۹۶۸)، با در نظر گرفتن جرم به عنوان یک فعالیت اقتصادی که بر اساس منافع و هزینه های مد نظر فرد به انجام خواهد رسید برای جرم مانند سایر کالا

^۱-اصولاً علوم سخت به علوم طبیعی و علوم ملایم به علوم اجتماعی گفته می شود.

^۲- فون هایک در جلسه دریافت جایزه نوبل خود این مطلب را تحت عنوان "علم پرستی" علت اصلی شکست سیاست های اقتصادی متذکر شد. او در باب علم پرستی اقتصاد می گوید: به نظر می رسد یادگیری روش های علم بسیار آسان تر از تفکر در این باب است که مساله چیست و چگونه حل شود.

3-streeten,2000 .

4-Becker

ها بازاری در نظر گرفت، و جرم را از دید اقتصادی مورد توجه قرار داد و شاخه ای در اقتصاد تحت عنوان اقتصاد جرم را بنیان گذاری نمود.

در تمامی ادوار تاریخ، جرم (کنش) وجود داشته است و در مقابل آن نیز مجازات (واکنش) از سوی جوامع اعمال شده است. اگر چه نمی توان ادعا کرد که می توان جرم را برای همیشه از میان برد، اما می توان با شناخت ریشه های انحرافات اجتماعی سعی در تقلیل میزان انحرافات نمود. به همین لحاظ با توجه به نقش بی بدیل عوامل اقتصادی در کنش های اجتماعی، می توان با شناخت ریشه های اقتصادی ناهنجاری ها در جامعه مسیر دست یابی به یک جامعه سالم و پویا را بهتر طی نمود. بنابراین باید عوامل مؤثر بر وقوع جرایم را شناسایی و فضا را با جامعه را به گونه ای ایسترس سازیکرد تا وقوع جرایم به حداقل برسد.

اهمیت مساله فوق در آن است که گسترش جرم در یک جامعه، آثار زیان باری بویژه به لحاظ اجتماعی خواهد داشت. جامعه برای کاهش میزان جرم و جنایت، ناچار به تحمیل هزینه های متعدد توسط بخش خصوصی و بخش عمومی است. بدیهی است که صرف هزینه در امور جنایی از سوی دولت موجب می شود که سهم بری بخش های دیگری مانند آموزش، بهداشت یا عمران کاهش یابد. هم چنین توجه به هزینه های اجرایی کردن جرم توسط مجرم، هزینه های جنین ارتکاب جرم و هم چنین هزینه های دستگیری مجرم مانند هزینه های مربوط به دادگاه و زندان در پی وقوع جرم باعث شده تا مطالعات زیادی در زمینه علل بوجود آورنده جرم و در جهت کاهش هزینه های پیش گفته شده صورت گیرد.

با عنایت به عوامل اقتصادی در ارتکاب پاره ای جرایم، امروزه موضوعی تحت عنوان اقتصاد جرم^۱ در سر فصل های علم اقتصاد لحاظ شده است که در تلاش است جنبه های اقتصادی فعالیت های مجرمانه را مورد بررسی قرار دهد و مهم تر از آن ریشه های اقتصادی آن را شناسایی کند (حسینی نژاد، ۱۳۸۳: ۱). از دیگر جنبه های مهم جرم شناسی اقتصادی تعیین مجازات بهینه برای مجرمین است، اهمیت این نکته در آن است که به- کارگیری مجازات های شدید قوای محرکه دولت را فرسوده می کند. به این جهت «جرم شناسی اقتصادی با تعیین مجازات بهینه در صدد آن است تا از یک سو زمینه های کاهش جرایم را فراهم نماید و از سوی دیگر هزینه های دولت را برای کاهش جرایم به کمترین مقدار کاهش دهد» (صادقی، ۱۳۸۹: ۶۵).

بخش عمده ای از این مطالعات در حوزه اقتصاد جرم به تبیین تعامل بیکاری و جرایم پرداخته است^۲، اما متأسفانه در بسیاری از این تحلیل ها شناخت تعامل میان نرخ تورم و جرایم مورد غفلت واقع شده است یا حداقل به

^۱-The Economics of Crime

^۲- e.g., Cantor and Land, 1985; Greenberg, 2001a, 2001b

ارتباط آن‌ها اشاره ای نشده است، به همین جهت بسیاری از تأثیرات اقتصاد کلان بروی انواع جرایم هنوز به طور کامل روشن نشده است (نانلی، سلز و زیتز، ۲۰۰۴)^۱.

جرم‌شناسی یعنی مطالعه عوامل موثر بر جرم (استفانی، ۱۹۷۰)^۲، از سوی دیگر با توجه به نقش پررنگ ملاحظات اقتصادی در ارتکاب بسیاری جرایم اقتصادی و جرایم علیه اموال و مالکیت (مانند سرقت و یا صدور چک بلا محل و امثالهم) می‌توان تحقیق حاضر را یکی از تحقیقات در زمینه جرم‌شناسی دانست، چرا که در این تحقیق با رویکردی اقتصادی سعی در شناسایی عوامل اقتصادی جرم شده است. شناسایی عوامل اقتصادی بروز جرایم از آن روی مهم به نظر می‌رسد که می‌توان با تخفیف و کاهش عوامل موثر در بروز جرایم زمینه کاهش جرایم را فراهم نمود که این امر مسلماً به معنای کاهش هزینه‌های جامعه در برخورد با مجرمان منجر خواهد گردید.

در واقع سیاست‌های اقتصادی با آثاری که در جامعه به جای می‌گذارد بسیاری از کنش‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده به همین لحاظ با تحت تأثیر دادن روابط در سطوح خرد و تغییر در تصمیم‌گیری افراد می‌تواند زمینه‌های تغییرات کلان را فراهم نماید. از جمله مهم‌ترین آثار شایع سیاست‌های اقتصادی که در نهایت می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیر اجتماعی به همراه داشته باشد بالا بردن نرخ تورم و نرخ بیکاری در جامعه خواهد بود.

نرخ تورم و بیکاری از جمله مهم‌ترین عوامل اقتصادی در مباحثات اجتماعی است به گونه‌ای که از مجموع این دو نرخ تحت عنوان شاخص فلاکت^۴ یاد می‌شود، بینش موجود در این شاخص بر آن است که نرخ تورم و بیکاری علاوه بر تأثیرات اقتصادی، تأثیرات اجتماعی به همراه خود دارند. به بیان دیگر باور بر این است که تورم فزاینده در کنار بیکاری رو به افزایش برای یک کشور، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی در بر خواهد داشت.

۳-۱: اهداف تحقیق

- ۱- تحلیل و تخمین بلند مدت آثار اخلاقی و اجتماعی سیاست‌های اقتصادی.
- ۲- تحلیل و تخمین کوتاه مدت آثار اخلاقی و اجتماعی سیاست‌های اقتصادی.

^۱ - Nunley, Seals, Zietz, 2011

^۲ - Criminology

^۳ - Steffani, 1970

^۴ - Misery index

۴-۱: اهمیت و ارزش تحقیق

متأسفانه آنچه امروز بخصوص در کشورهای در حال توسعه شاهد هستیم فربهی علم اقتصاد اثباتی به بهای کم رنگی اقتصاد هنجاری و فراموشی هنر علم اقتصاد^۱ است (کلاندر، دیوید، ۲۰۰۱).^۲ فراموش شدن موضوع اخلاق در اقتصاد زمینه بروز بسیاری از سیاست های اقتصادی غیر اخلاقی را در جامعه فراهم کرده است. به همین دلیل امروزه اخلاق به عنوان یکی از ابزار های فرعی مورد توجه در علم اقتصاد است و این دیدگاه اخلاقی نسبت به اقتصاد، در حوزه اقتصاد هترو دوکس^۳ مورد توجه قرار گرفته است. چرا که به دلیل عواقب جدی پاره ای از سیاست های به ظاهر علمی در کاهش رفاه و یا افزایش نابرابری ها، لزوم بازبینی در نحوه نگرش اقتصاد مرسوم (ارتدکس)^۴ بر بسیاری از عالمان این رشته به اثبات رسیده است. در همین راستا طی سال های اخیر سلسله مطالعاتی در زمینه اقتصاد اخلاقی^۵ صورت گرفته است. امروزه با آگاهی از علل اقتصادی بروز جرایم و با استفاده از پیشرفت های علم اقتصاد، می توان راهکارهای مناسبی را برای کاهش جرایم در جامعه ارائه داد که در پژوهش حاضر تا حدی بر این نکته تاکید خواهد شد.

با در نظر گرفتن قانون به عنوان معیارهای اخلاقی مدون در جامعه^۶، می توان با بسط این موضوع، ناهنجاری ها و قانون شکنی ها را مصداقی از بی اخلاقی در جوامع دانست، به بیان صریح تر می توان گفت که «از حداقلی از اخلاق در جامعه گریزی نیست و برای آن که بتوانیم این حداقل اخلاقی را در جامعه بگنجانیم از قانون استفاده خواهیم کرد» (سروش، ۱۳۸۱؛ ۶۹). به همین سبب با تعریف صورت گرفته از جرم به عنوان عملی غیر قانونی می توان به این مهم دست یافت که سیاست های اقتصادی با آثاری که از خود به جا می گذارند می-

^۱-Art of Economics.

^۲-Colander, David 2001

^۳-Heterodox

^۴-Orthodox Economic

^۵-Ethinomics.

^۶- این که قانون به عنوان معیاری از اخلاق تلقی شود در واقع اشاره به آن دارد که قانون خود رسوب تاریخی اخلاق است که در طی زمان و با توجه به فرهنگ و هنجارهای هر جامعه شکل گرفته است، اما ممکن است این سوال در ذهن ایجاد شود که اساساً در چه نوع جامعه ای می توان بیش حاکم بر تحلیل فوق را پذیرفت؟ در پاسخ باید گفت که در واقع این تحلیل در جوامع مدنی کاربردی تر است به گونه ای که در جاهایی به روشنی بر این نکته اشاره گردیده است که نقش اخلاق در جوامع مدنی به حدی است که ما جوامع مدنی را تنها به دلیل آن که اخلاقی تر هستند می پذیریم، در واقع امکان دست یابی به یک جامعه اخلاقی جز در پرتو یک جامعه مدنی میسر نخواهد بود، و مراد از جامعه مدنی آن است که در آن قانون حاکم بوده و ارکان اصلی آن یعنی گفتمان حق و کثرت آرا وجود داشته باشد (سروش، عبدالکریم، ۱۳۸۸. ادب قدرت ادب عدالت؛ ص ۱۴۲).

توانند زمینه‌هایی را برای ارتکاب جرایم فراهم نمایند ولی خود جرم نیز می‌تواند به وسیله ابزارهای اقتصادی و نهایتاً اتخاذ سیاست مناسب کاهش یابد.

جرمی پدیده نامناسب اجتماعی است که آثار منفی اقتصادی و اجتماعی به دنبال دارد. وقوع جرایم در جامعه موجب اتلاف منابع بخش خصوصی و عمومی در مبارزه و کنترل با جرم می‌شود و با تهدید امنیت اجتماعی و اقتصادی، انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. همچنین با افزایش هزینه‌ها یا منیتی و نیرو یا نظامی موجب کاهش کارآیی پلیس و نیروی انتظامی در برقراری امنیت و نظم جامعه می‌شود (مداح، ۱۳۸۹؛ ۱۲۶).
برقراری امنیت، از جمله نیازهای ضروری توسعه جامعه‌های، مطرح‌حاست، در این بین بر وزید هشدو مجرمو جنایتبا عتزلزلد رپا یهها یا منیتو سلامترو انیشهر و ندانگشتهو صدماتو هزینهها یجدیر ابرایشهر وشهر و ندانبهبار میآورد. جرمو جنایت اگر چه بسیار یاز عوامل اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی، حقوقی ... را شامل می‌شود اما به نظر میرسد «آن-چکه‌ها در تمام این عوامل است، عوامل اقتصادی نظیر بیکاری، فقر، توزیع نامناسب درآمد، تورم ... است» (سریر افراز و همکاران، ۱۳۸۹).

سوال بسیار مهمی که ذهن سیاست‌گزاران یک کشور را به خود مشغول می‌کند این است که چه عواملی می‌تواند در کاهش جرایم و متعاقب آن ارتقای سطح امنیت موثر باشد، اینکه آیا تنها با افزایش هزینه‌های انتظامی و کنترلی و تشدید مجازات‌ها می‌توان به این امر دست یافت امروزه مورد ظن بسیاری از کارشناسان واقع گردیده است چرا که تجربه بسیاری از کشورها حاکی از ناموفق بودن سیاست فوق در کاهش نرخ‌های جرایم بوده است (چری، ۲۰۰۲؛ ۸۳).^۱

در واقع آنچه بیش از هر چیز دیگر در تحقیقات اقتصاد جرم مهم به نظر می‌آید بحث در شناخت ریشه‌های اقتصادی جرایم است به گونه‌ای که تمامی جرم‌شناسان بر پیشگیری از جرم پیش از مجازات مجرم تاکید داشته‌اند (بکاریا، ۱۷۶۷)^۲، به همین جهت شناخت ابعاد اقتصادی عوامل موثر بر جرم می‌تواند سهم به‌سزایی در پیشگیری از جرایم داشته باشد. دومین موضوع در اقتصاد جرم بحث در زمینه تعیین مجازات بهینه است (گاروپا، ۲۰۰۰)، ساها و پول، (۲۰۰۰)^۳، به گونه‌ای که بحث در این زمینه از جمله به روزترین مباحث اقتصاد در این حوزه است.

^۱ -Cherry, (2002)

^۲ Beccaria, (1767)

^۳ N.Garoupa, (2000) & A.Saha, G.Poole, (2000)

نقش ملاحظات اقتصادی در مسایل ارزشی جوامع به حدی است که می توان میان این دو ارتباط روشنی را ملاحظه نمود، به عنوان مثال یکی از مهم ترین آثار شناخته شده سیاست های اقتصادی در بلند مدت شکل گرفتن افزایش تورم و نابرابری های اقتصادی است که در طی زمان خود می تواند عاملی مهم در بروز ناهنجاری های اجتماعی و قانون شکنی ها تلقی گردد.

بانگهای گذر ابهر و زیدید هجر موجنایت در جوامع، شاهد آن خواهیم بود که تحمیل عوامل اقتصادی نظیر تورم، نابرابری درآمدی، فقر، بیکاری و ... بر روح و روان افراد جامعه تأثیر گذار بوده و باعث بروز آشگفتیها و ناپدید شدن این آشفتگی های روانی می تواند در قالب کاهش آستانه ارزشی افراد و فزونی منافع ناشی از ارتکاب جرم نسبت به هزینه های آن در نهایت فر در برای ارتکاب جرم موجنایت تحریک نماید. یک شوک ناگهانی در اقتصاد می تواند تأثیر مهمی در ایجاد تورم داشته باشد. تورم که همان افزایش مداوم سطح عمومی قیمتهاست، فقر، بیکاری، نابرابری در توزیع درآمدها و امثالهم همگی می توانند بر انگیزه ارتکاب جرم موثر واقع شود.

نظری اجمالی بر سیاست های اعمال شده در ایران حاکی از آن است که متأسفانه سیاست های اقتصادی دولت در ایران در بیشتر موارد جزو سیاست های تورمی بوده و اثر نامطلوب چنین سیاست های اقتصادی ناسنجیده یعنی بالا رفتن نرخ تورم در بلند مدت توانسته وضعیت توزیع درآمدها را به نفع قشر ثروتمند و به ضرر قشر ضعیف جامعه متحول سازد، از سوی دیگر پایداری نرخ تورم در ایران مساله را بیش از پیش در بلند مدت به زیان اقشار فرو دست جامعه تعریف خواهد کرد^۱. به جای ممتاز از واژه منفی استفاده شد.

آنچه به عنوان پیامد این سیاست های تورمی مورد انتظار خواهد بود افزایش نابرابری های درآمدی، افزایش فقر نسبی و در نهایت افزایش ارتکاب پاره ای از جرایم خواهد بود، به همین جهت انتظار بر آن است که در دوران تورمی جرائم کلاهبرداری، خیانت در امانت، ایجاد حریق عمدی برای از بین بردن اموالی که بیمه شده اند افزایش یابد (دانش، ۱۳۸۱؛ ۳۴).

با توجه به روند افزایش جرایم در سال های اخیر با استناد به آمارهای منتشره سالنامه آماری و مراجع قضایی، بررسی ابعاد مختلف وقوع جرم در جهت کاهش هزینه های ناشی از وقوع جرم و ارتقای سطح امنیت در جامعه ضروری به نظر می رسد، لذا شناخت عوامل اقتصادی موثر در ارتکاب جرایم (به خصوص جرایم اقتصادی) می تواند ما را به راه کارهای کاهش جرایم در جامعه رهنمون سازد.

^۱ - به عنوان مثال تحقیقات صورت گرفته در ایران حاکی از آن است که آثار رشد پولی بر اقتصاد پس از ۴ سال به صفر میرسد اما آثار آن بر تورم پایدار خواهد بود و نهایتاً شوک انبساط پولی خود را به صورت تورم بالاتر نمایان خواهد ساخت. (اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۵) همچنین مدعای تجربی این نوشتار در فصول آتی به تفصیل ارایه خواهد شد.

با نگاهی اجمالی به روند نماگر فلاکت در ایران و میزان جرم صورت گرفته شده، با در نظر داشتن این موضوع که اولاً هزینه های امنیتی نسبت به قبل روندی صعودی داشته و ثانیاً تنها درصد کمی از جرایم به صورت آشکار بوده و آمار آن موجود است، می توان بر وضع نا مطلوب اجتماعی در ایران تاکید نمود (گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۸).

روند رو به تزاید میزان جرایم و شمار زندانیان در طی سال های از یکسو و پیامدهای زیان- بارگسترشانمانند بالارفتن هزینه

های اجتماعی و شخصی، به هم خوردن روند تخصیص منابع و کاهش سرمایه گذار یورفاها اجتماعی از سوی دیگر بر لزوم بررسی علل اقتصادی ارتکاب جرم تاکید می نماید چرا که مشکلات اقتصادی به عنوان اولین و مهمترین عامل موثر بر ارتکاب جرم مورد تایید بوده است (گزارش خبری و تحلیلی پیشگیری از جرم و آسیب های اجتماعی، ۱۳۹۰؛ ۵۱). از طرفی با استناد به آمار بیکاری به عنوان یکی از مهم ترین عوامل اقتصادی به همراه ساختار جوان جمعیتی کشور - که خود باعث کاهش هزینه ارتکاب جرم و افزایش مقبولیت ریسک ارتکاب جرم می شود- وضعیت نا مطلوبی را می توان برای سال های آتی کشور در زمینه ارتکاب جرم پیش بینی نمود.

۵-۱ : کاربرد نتایج تحقیق

- ۱- کاربرد در توسعه مطالعات بین رشته ای در علوم انسانی مانند فلسفه اخلاق، اقتصاد، جامعه شناسی و حقوق.
- ۲- معرفی مولفه های موثر بر کاهش هزینه های امنیتی و ارتقای سطح امنیت و ثبات در جامعه.
- ۳- کاربرد در دستگاه های بهره بردار مانند دستگاه قضایی و نیروی انتظامی.

۶-۱ : فرضیه های تحقیق

- ۱- سیاست های اقتصادی بر روی مبانی اخلاقی و اجتماعی در جامعه تاثیر گذار است.
- ۲- نرخ های تورم و بیکاری دارای اثرات کوتاه مدت و بلندمدت بر میزان جرایم است.

۷-۱-۱ : روش تحقیق

آنچه در این پایان نامه مورد استنتاج قرار می گیرد ارزیابی پیامد های اجتماعی و اخلاقی سیاست های اقتصادی است، به این منظور قانون گریزی را به عنوان یکی از شاخص های افول اخلاقی و اجتماعی معرفی نموده و جرایم را از دیدگاه اقتصادی مورد مذاقه قرار می دهد. در یک جامعه می توان قانون را به شکل مدون و پذیرفته

شده اخلاق در طی زمان دانست، به همین جهت میزان قانون شکنی (جرم) در یک جامعه خود می تواند به عنوان نشان گری برای بی اخلاقی ها و هنجار شکنی ها در آن جامعه تلقی گردد. به عبارتی دیگر اگر چه ارتکاب جرایم عملی غیر قانونی است اما از آن جا که ماهیت قانون برپایی عدالت و تامین امنیت در جامعه خوانده می شود لذا قانون شکنی به عنوان عملی منافی اخلاق تلقی خواهد گردد و می توان قانون شکنی را در واقع معیاری از وضعیت اخلاقی و اجتماعی جامعه مد نظر داشت.

پیش موجود در تحلیل فوق به این صورت است که سرمایه اجتماعی را می توان به عنوان یکی از شاخص های اخلاقی و اجتماعی در جامعه معرفی کرد و نبود سرمایه اجتماعی را حاکی از افول شاخص های اخلاقی و اجتماعی در جامعه دانست. به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. در ادامه ما از شاخص فوکویاما یعنی شاخص میزان جرایم برای سنجش آن استفاده می کنیم چراکه فرضی شود چون سرمایه اجتماعی، وجود هنجارها رفتاریمبتنیبر مشارکت افراد با همدیگر را منعکس می کند، انحرافات اجتماعی (جرایم) نیز حاکی از نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، ۱۳۸۵).

در واقع می توان بر اساس دیدگاه بکر ارتکاب جرم را در صورتی قطعی دانست که منافع ناشی از جرم از آستانه ارزشی فرد فزونی گیرد، طبق نظریه بکر در خواهیم یافت که ارتکاب جرم تابعی از متغیر های اثر گذار بر عرضه و تقاضای جرم است. از سویی دیگر مسائل ارزشی فرد و جامعه نقش انکارناپذیری را در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرایم ایفا خواهند نمود. در واقع مهم ترین اصل مدل فوق آن است که افراد به صورت عقلایی و بر مبنای حداکثر سازی منافع رفتار نموده و نسبت به ریسک بی تفاوت نبوده و در صورتی اقدام به ارتکاب جرم می نمایند که منافع بلند مدت ناشی از ارتکاب جرم از هزینه های آن افزون باشد. در این صورت معادله زیر را می نویسم:

$$nb = (1-p)R - c - w - pu \quad (1-1)$$

که در آن :

nb: منفعت خالص ناشی از ارتکاب جرم.

p: احتمال دستگیری

R: منافع ناشی از ارتکاب جرم

C: هزینه اجرایی جرم

w: درآمد ناشی از فعالیت های قانونی.

U: میزان مجازاتی (که برای حل ریاضی معادله می توان به صورت مجازات پولی در نظر گرفت) که در صورت دستگیری اعمال می شود.

از آنجا که هر فرد دارای ارزش های اخلاقی است، پس یک آستانه رفتاری m را برای فرد در نظر می-گیریم که بایستی منافع خالص جرم از آستانه خاص هر فرد بیشتر باشد تا فرد انگیزه لازم را برای ارتکاب جرم داشته باشد، رابطه زیر ارتباط میان منافع خالص ناشی از ارتکاب جرم را به همراه آستانه ارزشی هر فرد را نشان می دهد.

$$\begin{aligned} nb \geq m & \quad \text{if} \quad d=1 \\ nb \leq m & \quad \text{if} \quad d=0 \end{aligned} \quad (2-1)$$

در واقع معادله فوق بیانگر آن است که چنانچه منفعت خالص ناشی از ارتکاب جرم از آستانه ارزشی فرد تجاوز نماید، فرد دست به ارتکاب جرم خواهد زد، در این صورت مقدار d که همان احتمال ارتکاب جرم است برابر با یک خواهد بود و در غیر این صورت برابر صفر در نظر گرفته می شود، لذا در رابطه بالا مقدار $d=1$ بیانگر ارتکاب جرم و مقدار $d=0$ بیانگر عدم ارتکاب جرم خواهد بود. وجود W به عنوان درآمد ناشی از فعالیت های قانونی حاکی از آن است که هر چه درآمد قانونی افراد بالاتر باشد منفعت خالص ناشی از ارتکاب جرایم کمتر خواهد بود و فرد انگیزه کمتری برای ارتکاب جرم خواهد داشت. اهمیت این نکته فوق در آن است که می توان این گونه تحلیل نمود که هنگام بیکاری و نداشتن درآمدی قانونی انگیزه افراد در ارتکاب جرایم بیش از گذشته خواهد بود.

آنچه پیش از این گفته شد حاکی از آن است که افراد در صورتی به ارتکاب جرم مبادرت خواهند نمود منفعت خالص ناشی از جرم از آستانه ارزشی فرد تجاوز نماید. با تسری بینش فوق در فصل سوم به بیان مدلی پرداخته خواهد شد که در آن با توجه به توابع مطلوبیت افراد و حجم پول و تورم نقش سیاست های اقتصادی را بر میزان جرایم روشن خواهد ساخت.

بحث ارتباط میان سیاست های اقتصادی و جرایم از جمله کارهای ارایه شده توسط تلس^۱ است، در واقع مدل ارایه شده توسط ایشان، با معرفی جرم در تابع تولید اقتصاد در مدل رشد پولی سیدراسکی به بررسی اثرات سیاست های کلان اقتصادی بروی جرم می پردازد^۲. او در این مدل فرض می کند که جرم داراییک اثر بیرونی

^۱ - Teles, Vladimir K., (2004) "The Effects of Macroeconomic Policies on Crime."

^۲ - در مدل سیدراسکی، افراد به حداکثر سازی مطلوبیت جاری و آتی تابع مطلوبیت با قید درآمدی ناشی از دارایی های فیزیکی و پول می-پردازند. در این شرایط با فرض اینکه فعالیت های مجرمانه، رفاه افراد را به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می دهند، در تابع مطلوبیت وارد می شود

منفی بر تولید است چرا که اولاً عوامل تولید از بخش رسمی به این بخش منتقل می شوند و ثانیاً جرم بر رفاه جامعه اثر منفی دارد. به بیان صریح تر، در حالی که افراد بر اساس بازدهی مثبت انتظاری به سمت جرم کشیده می شوند اما از سوی دیگر به خاطر اثر منفی جرم بر تولید کل جامعه از آن اثر می پذیرند. این مدل به همراه شرح آن در فصل سوم مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. هم چنین روش به کار گرفته شده در انجام این پژوهش روش تحلیل محتوا بوده و در آن با استفاده از داده های گردآوری شده در قالب یک الگوی اقتصاد سنجی و در دو مرحله به جهت معنی دار بودن مقادیر ضرایب معادله در کوتاه مدت و بلند مدت تخمین زده خواهد شد.

۱-۲-۷: تصریح مدل اقتصاد سنجی و روش تخمین معادله:

نقطه شروع در مباحث مربوط به اقتصاد سنجی بحث مدل ارایه شده پژوهش می باشد^۱ که در این جا در مبحث مربوط به فاکتور های اخلاقی و اندازه گیری، از قانون گریزی به عنوان فاکتور بی اخلاقی یاد کرده و لگاریتم طبیعی جرم را در هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت را به عنوان فاکتور هدف قرار می دهیم (منظور از جرم در اینجا می تواند هر کدام از شاخص های معرفی شده مانند تعداد چک های بلا محل، میزان طلاق، سرقت و یا پرونده های مختومه در دادگستری ها باشد) و رابطه آن را با نرخ بیکاری (UR) و تورم (INF) به دست آورده و به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) به تشریح آن اقدام خواهد شد.

به همین جهت در ابتدا از ساده ترین شکل مدل های تصریح اقتصاد سنجی در جهت برآورد و آزمون فرضیه خود استفاده می کنیم، یعنی مدل خطی که در آن می خواهیم رابطه میان تغییرات نرخ های بیکاری و تورم را به صورت مطلق با تغییرات میزان جرایم (به صورت سرانه) بررسی نماییم.

از سوی دیگر نکته مهم آن است که وجود همجمعی بین مجموعه ای از متغیرهای اقتصادی نه تنها به این مفهوم است که یک رابطه تعادلی بلندمدت بین این متغیرها وجود دارد بلکه می توان با استفاده از روش OLS برآورد کاملاً سازگاری از ضرایب الگو بدست آورد. به عنوان مثال وقتی که دو متغیر X_t (که منظور همان INF و UR) و y_t (که همان جرایم مد نظر است) همجمع باشند، لذا می توان گفت که رابطه مورد نظر پیش گفته شده در بالا یک رابطه تعادلی بلند مدت است و می توان پارامترهای β را به روش OLS به دست آورد. اما متأسفانه وقتی حجم نمونه کوچک است، استفاده از روش OLS در برآورد رابطه بلند مدت، به دلیل در نظر گرفتن واکنش های پویای کوتاه مدت موجود بین متغیرها، برآورد بدون تورشی را ارائه نخواهد کرد. ^۲ بنرجی (۱۹۹۳) و

^۱ - مدل اقتصاد سنجی مورد استفاده در این پژوهش به طور کامل در فصل سوم مورد بحث قرار گرفته است.

^۲ -Banerjee